



در حوزه زنان استان بوشهر؛ هر شش ماه رصد می شوید!

بیانیه (خلاصه شده) جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر در حوزه زنان و دختران به استاندار جدید

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر با بیان مسایلی و مشکلات در حوزه زنان استان و ارباب راهکار برای آنها در نظر دارد، عملکرد جناب آقای عبدالکریم گراوند؛ استاندار جدید بوشهر را در حوزه زنان مورد رصد قرار داده و هر شش ماه، ارزیابی از عملکرد ایشان در عرصه زنان، دختران و خانواده ارائه دهد.

سرمقاله

اشباح سرگردان

گزارش اختصاصی آوای هامون به استاندار جدید در باب فضای عمومی استان بوشهر



اسماعیل حسام مقدم

مدیر مسئول آوای هامون

عرصه عمومی استان بوشهر پس از چهار سال مدیریت دولت مردان اعتدال با عارضه هلی عین شده که البته به نوعی می توان خاستگاه این عارضه ها را در سالهای بی تئیری دولت مهرورزی جست اما آنچه که جای پرسش دارد این است که چرا این ارواح بی تئیری در این چهار سال در استان بوشهر با قدرت بیشتری سرگردان شده اند و همچون جعبه پانورا در کل فضای عمومی جامعه جولان می دهند؟! به زخم این گزارش کوتاه این اشباح سرگردان را می توان در موارد زیر تلخیص نمود و شرح ماجرا را برای شهروندی آینه آوای هامون گذاشت:

۱. مرگ جامعه: از بین رفتن بیش جامعه شناختی در میان سیاستگذاران کلان استان بوشهر به نوعی باعث شد جامعه از معانی خاص اجتهای خود تهی شود و با یکدیگر از مفهوم جامعه و مردم مواجه شویم.
۲. آنتاگونیسم در فضای عمومی: جنگ و جدال بین نیروهای عرصه عمومی باعث شد با فضایی دوقطبی شده مواجه شویم عرصه عمومی این روزهای استان بوشهر به دلیل سیاستهای غلط به میدان جدالهای آنتاگونیستی مانند است و که هر نیروی قصد حذف دیگر نیروها را دارد.
۳. سزارین نواصلاح طلبی/نواصول گرایی: سیاستگذاران ارشد استان در چهار سال گذشته در پی معنا بخشیدن به کنشهای سیاسی خاصی بوده اند و آن خلق دو مفهوم جعل شده مذکور می باشد این جریان در عرصه عمومی استان بوشهر به شدت پیاده شده و هنوز به طور دقیق مشخص نیست با چه چیزی مواجه هستیم. مخلوقاتی عجیب الخلقه که رویکردها و ایده خود را دقیق معرفی نکرده اند.
۴. سیاست زدایی از کنشهای سیاسی: با توجه به مورد پیشین، کنشهای سیاسی رفیق در کلیت هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و از همه آنها سیاست زدایی شده است.
۵. مرگ تئیلیسم اخلاق: سیاست زدایی از کنشهای سیاسی باعث شده معامله گرایی و لابی گری برای منافع کاملاً شخصی رواج یابد و این اخلاق مرگتئیل در چهار سال گذشته بلوغ رسیده است.
۶. سندرم سلولیه: عرصه عمومی استان بوشهر دچار عارضه ای اقتصادی نیز شده که در آن مشارکت عمومی برای سرمایه گذاری به شدت افت کرده و همه نگاه ها به منابع زیرزمینی و عوارض آلودگی ناشی از آن شده است.
۷. سکت در توسعه پلدار: اشباح سرگردان در عرصه عمومی استان بوشهر، کالبد آن را دچار سکت کرده و همه نشانه هلی که باید به سمت توسعه پلدار حرکت کنند را مسکوت گذاشته است.

عکس از تئاتر «ادیب شهریار»

آوای هامون

آوای هامون؛ نشریه تحلیلی جامعه مدنی جنوب ایران

سه شنبه 25 مهرماه 1396 | 26 محرم 1439

17 اکتبر 2017 | 4 صفحه | هزار تومان | سال سوم

شماره 26

اشباح سرگردان

گزارش اختصاصی آوای هامون به استاندار جدید در باب فضای عمومی استان بوشهر

همین صفحه را بخوانید

پدران آسیب پذیر: چرا پدر بودن صدمه می زند؟



مصطفی مهرآیین

جامعه شناس

1) این روزها کمتر محیط فکری یا رسانه ای را می توان در جامعه ما یافت که در آن به بهانه تشکیل دولت جدید و شکل گیری ترکیب کابینه سخن از «حق وزر شدن زنان» یا «حق زنان در دستیابی به مناصب بالای دولتی» گفته نشود. آنچه در کانون این مباحث جای دارد مساله «برابری جنسیتی» و «قدرت گرفتن مردانه» است. سخن از این گفته می شود که سلطه گفتن مردانه و حضور قدرتمند این گفتن در قوانین، ارزش ها، و هنجارهای آشکار و پنهان جامعه مانع از دستیابی زنان به حقوق خود می شود و گفتن مردانه با اعمال سلطه خود بر زنان، زنان را در جایگاه افراد آسیب پذیر و محروم جای می دهد. اکنون که به این مباحث در جامعه ما دامن زده شده است، می توان این پرسش را نیز مورد توجه قرار داد که آیا گفتن مردانه و مردسالار تنها به زنان آسیب می زند یا ما با گروه های متعددی از مردان نیز روبرو هستیم که از این گفتن آسیب می بینند؟ آیا اگر مردانگی را به توانایی حاصل از داشتن قدرت، اقتدار و استحکام تعریف کنیم، مردان فاقد قدرت و اقتدار و استحکام (همانند کارگران، معلولان، سالندان، پلران مبتلا به بیماری های جسمی، پلران مبتلا به بیماری های روانی، مردان بی سواد...) نمی توانند قربانی گفتن این نظام اجتهای باشند که عمیقاً در آن ها درونی شده است؟ بی شک، زنان در عمده جوامع انسانی از قربانیان گفتن مردانگی یا مرد سالار هستند. بدینحال، رنج مردانگی که قربانیان گفتن مردسالار می شوند بسیار بیشتر از زنان است. زنان با هویت مردانه همذات پنداری نمی کنند و تنها با آسیب های این گفتن روبرو هستند. گروه های متفاوت از مردان، اما، بواسطه آنکه در تمام طول زندگی خود هویت مردانه و مولفه های آن را درونی ساخته اند، زمانی که از سوی این گفتن طرد می شوند تنها با آسیب های ناشی از این «طرد» روبرو نیستند؛ آن ها هویت خود را موجودی دانسته اند که اکنون از و در چالش با بودن خود یا همان هویت مردانه زندگی می گذرانند. آن ها تبدیل به «هوموساکرهای گفتن مردانه» می شوند. دیگران آن ها را مرد تعریف می کنند و در چارچوب قوانین مردانه با آن ها رفتار می کنند، اما آن ها از هیچ یک از امتیازات مرد بودن یا مردانگی برخوردار نیستند. آن ها فاقد قدرت، اقتدار و استحکام هستند در حالی که همه، بویژه فرزندان و همسران آنان (یعنی زنان) از آنان انتظار دارند مطابق الگوی رسمی مردانه رفتار نمایند و به ایفای نقش بپردازند. آن ها سالیان دراز خود را موجودی دانسته اند که اکنون از درون آن ها را نابود می کند. آن ها از مرد بودن خود صدمه می بینند. مردان، بویژه پلران، می توانند قربانیان نظم جنسیتی باشند که ظاهراً به آنان امتیازاتی در زندگی اجتماعی می دهد.

ادامه در صفحه چهار

نقش مدارس در ارتقای بهداشت روانی دانش آموزان



هنگامه مصدق زاده

دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

بهداشت روانی همان سلامت فکر و قدرت سازگاری با محیط و اطرافیان است. همچنان که از جسم خود مراقبت می کنیم روح خود را نیز باید مقاوم تر کنیم تا زندگی بهتری داشته باشیم. در عصر ما، رفتار فرد و بشر نتیجه عوامل متعددی نظیر خانواده، مدرسه و جامعه است. تأثیر خانواده در رفتار کودک بیشتر در دوران قبل از مدرسه است و پس از آن مسئولیت مدرسه در تربیت کودک سنگین تر خواهد شد. از جمله عواملی که می تواند دانش آموزان را در ارتقای بهداشت روانی یاری رساند عبارتند از:

بهبود وضعیت ایمنی و محیط فیزیکی مدارس

سال های مدرسه حیاتی ترین دوران زندگی کودکان به ویژه برای رشد هیجانی آنان است از این رو ایجاد محیطی امن و سالم در مدارس برای رشد شاداب و مطمئن کودکان ضروری است. تقریباً همه کودکان در دوره ای از زندگی خود به مدرسه می روند. مدارس مانند شبکه امن از کودکان در برابر خطراتی که بر یادگیری، رشد و سلامت روانی و اجتهای تأثیر می گذارند محافظت می کنند. توانایی و انگیزه کودکان برای ماندن در مدرسه، یادگیری و استفاده از آموخته هایشان متأثر از سلامت روان آنان است. محیط فیزیکی مدرسه از جمله شرایط ساختاری، نور، رنگ و بهداشت محیط در سلامت روان دانش آموزان تأثیر گذار است.

افزایش آگاهی والدین در رابطه با بهداشت روانی فرزندان

خانواده اصلی ترین هسته هر جامعه و کانون حفظ سلامت و بهداشت روانی است. یکی از مهم ترین نهادهای مؤثر در تربیت و رفتار آدمی را سازمان خانواده می دانند؛ از جمله مواردی که رفتار والدین باعث بروز اختلالات رفتاری کودک یا نوجوان در محیط مدرسه می شود و آثار نامطلوب خود را در محیط مدرسه نیز به جا می گذارند، عبارتند از: افراط یا تفریط در محبت، تنبیه و آزار رساندن، اختلافات والدین، جدایی والدین، فقر فرهنگی، فقر شدید اقتصادی.

ادامه در صفحه دو

حجاب زنان در ایران؛ امر خصوصی یا اجتماعی



نسرین محمدی

کارشناس ارشد جامعه شناسی

حجاب و بحث پیرامون پوشش زنان از دوران اصلاحات رضاخانی تا به امروز همواره به عنوان یکی از مقولات بحث انگیز صحنه ی مناقشات سیاسی و اجتهای بوده است. با این حال اگر چه رخداد کشف اجباری حجاب زنان و مقاومت های مردمی و گروه های فکری مختلف در برابر آن نقطه ی عطف بدل شدن پوشش زنان به عنوان یک مسئله اجتهای سیاسی بود اما باید یادآور شد که مبتکر این گرایش رضاخان نمی باشد. به درستی می توان با اندکی مطالعه ی تاریخ معاصر و تأمل در مقدمات فرایند شکل گیری جریان روشنفکری در ایران به این واقعیت روشن واقف شد که ایده ی نوگرایی در پوشش برای نخستین بار در آراء و اندیشه های تجدد طلبان پیش از انقلاب مشروطه و پادشاهی رضاخان بوده است. اینان به دنبال تلاش برای تغییر ساختار اجتهای و فرهنگی جامعه ایرانی به سبک غربی های پیشرفته سعی در انتقال بی کم و کاست ارزش ها و اصول فرهنگی آن به کشور داشته و در این باره روش تقلید را ترویج کردند. یکی از این ارزشهای مورد بحث نوع پوشش مردان و زنان بوده است که در جامعه ی سنتی و دین سالار آن دوره می توانست بحث انگیز باشد اما تا زمانی که اقدامی نهادی و عملگرایانه در این باره صورت نمی گرفت این موضوع به عرصه مناقشات اجتهای ورود نمی یافت. بنابراین نقش اساسی رضاخان را باید در اقدامات نهادی و عملگرایانه ای دانست که او در تبدیل پوشش زنان به عنوان مسئله ای اجتهای و تا حد زیادی سیاسی انجام داد.

ادامه در صفحه چهار

مقاومت در برابر قربانی سازی از دختران



مهديه امیری

سردبیر آوای هامون

همواره متولد شدن به عنوان یک دختر در برخی فرهنگ ها با خود تبعیض ها و خطراتی همچون سوتغذیه، گرسنگی و بیماری، عدم آموزش، ازدواج های زودهنگام، خشونت و... همراه دارد. دختران به عنوان نیمی از جمعیت جامعه همواره درگیر تبعیض های جنسیتی بوده و این مساله همواره به فراموشی سپرده می شود که با افزایش سرمایه گذاری بر روی کودکان و نوجوانان دختر در کنار پسر هست که جامعه در آینده مسیر توسعه را در پیش می گیرد و با تغییرات فرهنگی این امکان برای دختران بوجود می آید که بتوانند بیش از گذشته از حقوق و آزادی های اساسی برخوردار باشند. همچنین باید به این موارد اشاره کرد که دختران باید از حق داشتن امنیت، سلامت، آموزش، زندگی سالم برخوردار باشند تا بتوانند در آینده به عنوان یک زن، تشخیص اجتهای، قدرت اقتصادی و سیاسی، اعتدال به نفس بالا جهت حضور در عرصه عمومی را بدست آورند نه اینکه همچنان برای بدست آوردن ابتدایی ترین حقوق خود در اجتهای درگیر فرهنگ و نگاه های جنسیتی باشند.

ادامه در صفحه دو

شناسنامه

۲

دکتر عبدالعزیز دولتی؛ استاد دانشگاه

تاملاتی زبانشناختی در باب واژه "هامون"

مون در هامون ریشه فعلی است. که در کتابت مان است. در نامواژه های : کرمان، کرمانشان، رومان(رومانی)، شکل باستانی که زبانشناسان ریشه ضعیف می گویند، م **m** است، در نامواژه های: جهرم، دیلم، سمیرم، که به من**man** در ارمن، و مصدر مند(ماندن) در خراسان، مون در آزمون، نمون(نونه)، رهنمون و هامون

سه شنبه 25 مهر 1396



«شیرینی که به کام عروس هاتلخ می شود»

| |
|---|
| سحر پولادی |
| <div>دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا</div> |

"کودک همسری"؛ از معضلات جامعه ی امروز ماست که باید جدی تر به این مسئله نگریمست اخیرا آمار ی از مراجع رسمی منتشر شد که تکان دهنده بود:

طبق قوانین کشور،ثبت ازدواج کودکان زیر سن قانونی ممنوع است(ماده ی ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب۱۳۱۴ اصلاحی ۱۳۷۹:تعقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح) و آمار ی که در دست ماست:تپنا ازدواج های ثبت شده را نشان می دهد که با وجود غیر قانونی بودن ثبت شدند.این اطلاعات از اداره ی آمار سازمان ثبت احوال ایران اخذ شده است.آخرین اطلاعات مربوط به نه ماه نخست سال گذشته است که در این مدت مجموعا ۲۹ هزار و ۷۱۰ دختر،چه‌زیر۱۵سال‌درکل کشور ازدواج کردند

بر اساس اطلاعات دفتر آمار سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۹۴، مجموعا ۳۶۹۲۸ دختر،چه‌زیر ۱۵ سال ازدواج کرده و ثبت شده است.

ادامه از صفحه یک

مقاومت در برابر قربانی سازی از دختران

در این وضعیت دختران به علت شرایط ویژه جسمی دچار مشکلات عدیده همچون مشکلات جسمی، روحی و روانی می‌شوند و از استانداردهای تعریف شده در حوزه سلامت برخوردار نیستند. همچنین بنا به گفته پروانه سلحشوری؛ رییس فراکسیون زنان مجلس « آمارهای سازمان ثبت احوال کشور نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳، نزدیک به ۴۲۰هزار دختر زیر ۱۵سال در ایران ازدواج کرده‌اند. همچنین بر اساس آخرین آمار ی که یونیسف در اواخر سال گذشته میلادی منتشر کرد، ۱۷درصد از دختران ایرانی زیر سن ۱۸سال و سه درصد نیز زیر ۱۵سال ازدواج می‌کنند.» این معضلات در مورد برخی گروه‌های آسیب‌پذیر دختران مانند دختران در طبقات فقیر یا نواحی حاشیه‌ای شهرها و روستاها بیشتر است.

بنابراین دولت و نهادها و سازمان های مربوطه باید جهت افزایش سرمایه گذاری برای ارتقای کیفیت و کبیت آموزش به کودکان و نوجوانان دختر به طور خاص و دیگر شهروندان زمینه های یادگیری مورد نیاز به منظور توان افزایی و نقش آفرینی دختران در آینده به عنوان زنان جامعه، مقابله با ازدواج های زودهنگام دختران، مقابله با انواع خشونت های جسمی، جنسی و روانی علیه دختران، برنامه ریزی جهت افزایش و بهره مندی تمامی دختران از سلامت و تغذیه مناسب، افزایش سیاست های برنامه ریزی در رابطه با دختران معلول و آسیب پذیر اجتماعی و نیز افزایش اشتغال پلیدار را در راستای برنامه‌های خود قرار دهند.

در پایان این نکته قابل ذکر هست در کنار نگرانی هایی که در بالا به آنها اشاره شد، حرکت هایی کوچک اما امیدوارکننده در حال شکل گیری است. چراکه؛ برخی از مقامات رسمی کشور مسایل و مشکلاتی که در حوزه دختران وجود دارد را پذیرفته اند و تلاش هایی در این خصوص صورت گرفته است. همانگونه که در بالا از نگرانی های برخی مسئولین در این زمینه یاد شد. همچنین در حوزه های دانشگاهی و پژوهشی، نهادها و سازمان های غیردولتی و حتی در بین برخی شهروندان مسایل و مشکلات دختران و زنان جوان برجسته تر گردیده است. لذا این نگرانی ها با امیدواری قرین شده و تحولاتی در حوزه دختران در حال شکل گیری است و امید می رود کودکان و نوجوانان دختر که زنان فردای جامعه ما هستند مورد حمایت همین نگاه ها آینده ای روشن تر داشته باشند.

جناب آقای حسین دلشب

مدیر کل محترم حفاظت محیط زیست استان بوشهر

انتصاب و ابقای جنابعالی را در سمت مدیر کلی حفاظت محیط زیست استان بوشهر صمیمانه تبریک عرض نموده و امیدواریم اندیشه صلح و مدارا با محیط زیست در عرصه عمومی استان بوشهر گسترش یابد.

گروه رسانه و مطبوعات "هامون"

ها که شکل های دیگر آن : هو، هی، خ، خو، خب، خوب است، پیشوند تاکید و تحسین و غلبه صفت است، که در عربی صیغه مبالغه گفته می شود.

هامون زمین گود و پستی که آبریز رود ها و سیلاب های دشت های اطراف است. و آنها در آن از جریان می افتد و ساکن و ماندگار می شود.

هامون ها بدون استثنا، بازمانده دریاچه ها و دریاهای باستانی هستند که روزگاری در حاشیه آنها تمدن شکل گرفته است، تمدنهای آب شیرین قبل از اختراع قنات در حاشیه همین دریاها شکل گرفته اند، کویر لوت و کویر نمک، هامون هیرمند، ماشکید، نوشکید و سیلک در کاشان و مردابهای کویر مرکزی یادگار این دریاهای باستانی هستند.

هامون به معنی: جای از جریان افتادن و در زمین فرورفتن آنها است. که ارتفاع این موقعیت ها از سطح دریا معمولا کمتر از یک صد متر است.

آوازه هامون

فقر یکی از عوامل اصلی ازدواج کودکان با پرزگسالان است که علی رغم تصورات خانواده ها عامل مشکلات زیادی برای دختران، خانواده ها و اجتماع می‌شود.

موارد مهم آسیب‌های کودک همسری را می‌توان این‌گونه نام‌رد:

1. رسیدن به بلوغ در یک بازه ی زمانی کامل می شود و به یکباره اتفاق نخواهد افتاد. از ۹ سالگی آغاز می شود تا ۱۵ یا ۱۶ سالگی کامل خواهد شد یعنی ۵ یا ۴ سال زمانیمست که کودک در آن به بلوغ کامل جسمی می رسد اما این به تنهایی کافی نیست و باید از نظر اجتماعی، روحی و روانی نیز به بلوغ کامل برسد.

2. عواقب ازدواج زودهنگام به خطر افتادن سلامتی کودک است. سازمان بهداشت جهانی ازدواج کودکان در سن پایین را معضل بهداشتی برای کشورها عنوان کرده است، چرا که روند تکامل از جوانب مختلف روحی، روانی و جسمی بلید با هم اتفاق بیفتد تا کودک آمادگی ازدواج را داشته باشد. عواقب ازدواج زودهنگام فارغ از این که کودک توانایی بارداری را دارد یا خیر به خطر افتادن سلامتی کودک است، چرا که او در این سن سیستم دفاعی پلینی دارد.از نظر ایمنی در شرایط مناسبی نیست و دچار بیماری های عفونی و مقاربتی شدید می شود که در سال های بالاتر منجر به بیماری‌هایی‌جسمی می‌شود که جان‌فرد را به‌خطر می‌اندازد.

3. سقط جنین در سنین کم آمار بالایی دارد ،چون تخمک ها به بلوغ کامل‌رسیده‌اند.

4. کودک همسرها حقوق اجتماعی ندارند مثل تضاد میان حق رای دادن یاخودگواهینامه ومسئولیت‌یک‌زندگی.

آن چه ذکر آن اهمیت دارد این که روند طبیعی رشد در دخترانی که کودک همسر هستند طی نخواهد شد که از جمله عواقب آن را بلوغ زودرس ،تأثیرات عمیق روحی و روانی در سنین بالاتر، سو استفاده های جنسی و … می‌توان نام‌رد.

شوراها؛

راه‌های رفته و نرفته!



حامد ملازاده صادقیون

فعال اجتماعی

طوفان رای غافلگیر کننده مردم در بهار ۷۶ موجب شد رئیس دولت اصلاحات به پشتوانه این حمایت مردمی بتواند مردانه بر سر وعده ها و تعهداتش به ملت بماند و به احیای شوراهاي اسلامي شهر و روستا کمرهت‌گارد.

اگر به آرشيو مطبوعات آن سال هاي کشور نگاهی بیاندازیم؛ نیک در می یابیم جناحی که امروز اصولگرا و آن روزها اقتدارگرا و راست سنتي نام داشت تمام توان خود را بکار گرفت تا دولت اصلاحات نتواند نظام انتخاباتی شورایی را عملیاتی کند. جدای از اینکه خوب می دانستند تا اطلاع ثانوي از صندوق هاي رای نام هیچ يك از همفکران آنها در هیچ انتخاباتی بیرون نخواهد آمد؛ اما آنها بسیار دوراندیش تر از این بودند که مخالفتشان محدود به حذف چند منتخب از شوراها باشد. بعدها در اظهارنظرهاي مختلف عقلايی جناح راست به وضوح به این نکته اشاره شد که نگرانی آنها از کارکردهای دموکراتیک و مشارکت جویانه چنین انتخاباتی این است که اگر این شراکت و اشتیاق مردم در شهر و روستاها و تمرین دموکراسي در ملریت شهري به عنوان يك رفتار سياسي نهایته می شد می توانست در آینده و براي همیشه جناح غیر معتقد به صندوق رای را از بازی سیاست حذف کند.

از دیگر سو بخشی از حاکمیت نیز با علم به نحوي اجرائي انتخابات شوراهاي می دانست که اگر برگزاری انتخاباتی بدون نظارت استصوابی شوراي نگهبان و تنها با نظارت مجلسیان موفق شود ممکن است در آینده الگو و مطالبه اي براي سایر انتخابات ها باشد. همه این دلایل و بیش از این ها دست به دست هم می دادند تا تفکر تمامیت خواه تلاش خود را بکارگیرد تا این بخش مغفول همچنان مسکوت بماند.

با پافشاری دولت اصلاحات و برگزاری اولین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و راهیابی بخش عمده اي از لیبره‌اي سياسي اصلاح طلبان آن زمان به شورا و بعدا تشکیل مجلس ششم با ترکیبی که می‌دانیم؛ عملا کلیه نهادهای انتخاباتی نظام بدست این طیف افتاد.

اما این همه ماجرای دموکراسي شورایی در ایران نبود. تیغ دو لبه انتخابات هیچ تعهدی نداده است که همواره به نفع اصلاح طلبان ببرد! و همین شد که مردم ناراضی از عملکرد شوراي اول شهر تهران در دور بعد کاملا برعکس رای دادند تا به ریاست و اکثریت آبادگران سال هاي تاریخي را در کشور رقم بزنند. امروز و پس از آن سال ها نیک می‌دانیم که نطفه دولت هشت ساله احمدی نژاد در همین شورا و با شهردار شدن او بسته شد و شاید آیندگان در تاریخ درباره ظهور پدیده "احمدی نژادسیم" و دلایل اقبال تهرانی ها و بعدها ایرانی ها به اوسنخ‌ها بگویند.

اما امروز همچنان نهال شوراها متلامم از طوفان هاي ست که شاید و بلید نگران آن بود. دستاوردهای نه‌اینه نشده و البته بسیار شکننده مانند همین نامه اخیر دبیر شوراي نگهبان درباره محرومیت از کاندیداتوري اقلیت هاي مذهبي در برخی از شهرها که چالش جدیدی را در روابط مجلس و شوراي نگهبان رقم خواهد زد بشرطی که مجلس بر حق نظارتی خودمصر بماند.

آهچه قریب به یقین است آن است که انتخابات شوراها در فرآیندي

برگشت ناپذیر قرار گرفته و هر چند در مقطعی معوق شد اما تعطیل نشد. اکنون باید صبر کرد و دید آیا این نهال در بلوغ خود می‌تواند نماد يك دموکراسي ناب ایرانی اسلامي را به نمایش گذارد؟

ها که شکل های دیگر آن : هو، هی، خ، خو، خب، خوب است، پیشوند تاکید و تحسین و غلبه صفت است، که در عربی صیغه مبالغه گفته می شود.

هامون زمین گود و پستی که آبریز رود ها و سیلاب های دشت های اطراف است. و آنها در آن از جریان می افتد و ساکن و ماندگار می شود.

هامون ها بدون استثنا، بازمانده دریاچه ها و دریاهای باستانی هستند که روزگاری در حاشیه آنها تمدن شکل گرفته است، تمدنهای آب شیرین قبل از اختراع قنات در حاشیه همین دریاها شکل گرفته اند، کویر لوت و کویر نمک، هامون هیرمند، ماشکید، نوشکید و سیلک در کاشان و مردابهای کویر مرکزی یادگار این دریاهای باستانی هستند.

هامون به معنی: جای از جریان افتادن و در زمین فرورفتن آنها است. که ارتفاع این موقعیت ها از سطح دریا معمولا کمتر از یک صد متر است.

آوازه هامون

تاملات



ایرن واعظ زاده

گزارشگر ویژه آوای هامون

در پی اقداماتم در خصوص اعتراض به مساله ای غیرعادی، ماجراها و مسائلی حاشیه ای به وجود آمد که شرح بخشی از آن را به عنوان یک شهروند و نه روزنامه نگار لازم می‌دانم.

حق مسلم و از وظایف بدیهی هر شهروند متعددی است که به ناپسامانی هایی که در محیط و جغرافیای پیرامونش در جریان است، معترض باشد و به نوعی برای بهبود آن شرایط بکوشد.

تاکید می‌کنم " اعتراض و احساس مسوولیت یک شهروند در قبال جامعه "

در کجای این کره ی خاکی شهروندی را که به وضعیت نامطلوب و مشکوک، اعتراض دارد، به علت مشکلات جسمانی اش مورد اهانت قرار می‌دهند؟

مشابه این جریان چند سال پیش، زمانی که برای گرفتن مجوز جهت انجام گزارشی به یکی از ادارات مراجعه نمودم نیز پرایم اتفاق افتاد. یکی از کارکنان که سمت نسبتا مهمی نیز داشت، با لحنی محترمانه؛ مرا طرف خطاب قرار داده و سعی کرد به من بفهماند این همه انسان سالم به جایی رسیده و نتوانستند کاری از پیش ببرند حالا از من معلول (!) چه انتظاری هست…

این دسته از مردمان به واقع چه تصور و ذهنیتی از توان یابان یا درست تر بگوییم، وظایف و حقوق شهروندی دارند؟ آیا حقیقتا اینان قادر به تفکیک معنا و مفهوم این واژگان از یکدیگر هستند؟

مادامی که فردی منطق و شعورش را قربانی لذت تحقیر و استهزا به دیگری می‌کند، بی تردید این مساله که احتمال پیشامد چنین موردی بر حسب اتفاق، برای شخص خودش نیز ممکن است، قابل درک نیست.

شهروندی، توان یابی و حق اعتراض سه مقوله ی مجزا و در عین حال مرتبط به هم هستند. هر توان یاب یک شهروند است و عارضه ی جسمانی دلیل موجه و عقلانی برای سلب حق اعتراض از وی نمی‌تواند باشد.

شهروندان اعم از توان یاب و غیرتوان یاب، دارای مسوولیت ها و وظایفی در قبال اجتماعی هستند که بدان تعلق داشته و در آن زیست می نمایند؛ گرچه در قواعد چنین نگاشته شده که هر فرد یک شهروند قانونی محسوب می‌گردد اما در عمل و در افق فکری بسیاری از مردمان، این مفهوم صرفا بخشی از جمعیت را درون خود جای داده است.

این گونه برخوردها به ما گوشزد می‌کند که مشکلی اساسی و فرهنگی در درک معنای جهان شمولی حقوق شهروندی و همچنین در ساختار فکری و مدنی جامعه وجود دارد.

فقدان بلوغ مدنی برای درک و توسعه ی این مفاهیم به معنای فروپاشی اخلاق مدنی و فرهنگی در جامعه می‌باشد که نتیجه حاصل شعارهای پوچ و بدون عمل و نادیده گرفتن حقوق اقلیت های مدنی یک جامعه است.

اگر سراپا ایستاده و بدون کک کسی و با اطمینان و محکم در سطح این شهر پر از خرابی گام برمی‌داریم، اگر قادر به دیدن طبیعت زیبای خدا و شنیدن نوای خوش موسیقی هستیم، اگر روزانه با دست و پای سالم مان هزار کار ناتمام را به سرعت به سرانجام می‌رسانیم، اگر…

بدانیم و فراموش هم نکنیم که بهره مندی از این موهبت هنر و شاهکار ما نبوده، نیست و نخواهد بود.

درباب واژه "هامون" در زبان بلوچی

محمدیاسین پُسکوهی؛ شاعر و نویسنده سراوانی

هامون: در زبان بلوچی به جایی گفته می شود آب به دریا نرزد و "هامون" در جاهایی اتفاق می افتد که دشت باشد و کوه وجود نداشته باشد. در واقع "هامون" چه گذشته دریا‌های کوچک بوده اند که آب رودخانه‌ها به دریا راه پیدا نکرده است اما در برخی مناطق که به هامون مشهورند همانند هامون ماشکید در بلوچستان هیچ گونه اثری از آب در روی زمین نیست اما به جبت اینکه آبهای تمام مناطق بدانجا ختم می شود و در زمین فرو می روند هامون تشکیل شده است یعنی می توان

ادوار هامون

گفت :جایی که آب فرو می ریزد؛ با این اوصاف دریاچه هامون را هم می‌توان اینگونه تصور کرد که آبریز مناطق پیرامونی خودش است و هیچ گونه کوهی در آنجا وجود ندارد گرچه نفوذ پذیری آب در آنجا به زمین شاید کتر باشد و ارتفاع آن از سطح دریا در برخی مناطق که هامون تشکیل شده بسیار کم است و در بعضی جاها ممکن است به چند متر و یا هم سطح آب‌های آزاد برسد.

هامون در مناطقی تشکیل شده است که شیب وجود نداشته است و صرف اینکه بتوان گفت معنی دشت بدهد را نه، اما در دشت ها امکان هامون وجود دارد و بس.

برسی ارتباط هامون با کلمه آمو که از دشت های بین مرو و بخاراست و در شعر رودکی و خواجوی کرمانی هم اشاره شده جا برای جستجو باز کرده و باید در این زمینه هم تحقیق صورت پذیرد.

در این زمینه از زبان دکتر دولتی؛ پژوهشگر زبان بلوچی نیز می توان اینگونه گفت: "مان، مون، من" در واقع از ریشه ماندن و ماندگاری هستند. "پلانی مات مُنند انت" به معنای اینکه فلاخی به مادرش رفته و رفتارش به مانند مادرش است. "ها" در هامون پیشوند تاکید است.

سه شنبه 25 مهر 1396

در حوزه زنان استان بوشهر؛ هر شش ماه رصد می شوید!

بیانیه جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر در حوزه زنان و دختران به استاندار جدید

و اجتهای زنان گسترده تر شود تا از این طریق زنان نیز به عرصه سیاسی گام نهند و مشارکت سیاسی و اجتهای زنان شتاب بیشتری به خود گیرد. احزاب موظف به دادن آموزشهای سیاسی به زنان چه در زمان انتخابات و چه قبل و بعد از انتخابات هستند و مسیری فرام شود تا حضور زنان پای صندوقهای رای تنها ابراری نبوده و آگاهی سیاسی و اجتهای زنان افزایش یابد. زنان با یادگیری و درک سیاسی از حضور خود در پای صندوقهای رای و با حضور در انتخابات به توانندی های خود به لحاظ رفتار سیاسی و کنشهای اجتهای با محوریت سیاسی آگاه تر شده و تحرک اجتهای، منزلتهای اجتهای بالاتر، هویت مستقل و احساس توانایی های بیشتر درآنها تقویت می‌شود.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر بر توسعه سرمایه اجتهای و ارتقای مشارکت عمومی و اجتهای زنان و دختران تاکید دارد. چراکه، عدم توجه به زنان به سرمایه اجتهای در استان بوشهر تا حدودی گریگ می باشد زنان در استان بوشهر در مقایسه با مردان از نظر هویتی دارای مشکلات زیادی هستند و عمدتا منابع هویتی زنان تحت الشعاع جنسیت یا خاستگاه های اجتهای و طبقاتی مردان قرار دارد. از جمله مواردی که باعث تشدید عدم مشارکتهای نهادی و انجمنی در زنان استان بوشهر می شود را می توان به ۱-میزان منابع در دسترس زنان، 2-گستره ی روابط اجتهای، 3-سطح و میزان اثربخشی اجتهای و 4-میزان اعتداجتهای زنان اشاره کرد. در جامعه شبه مدرن استان بوشهر؛ زنان در تعریف و معنابخشی و بازناندیشی هویت خود به دلیل عدم همبستگی اجتهای در بین خودشان دارای مشکلات زیادی هستند و انسجام گروهی و شخصییی در زنان تقویت نگردیده است.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر بر دادن آموزش به زنان جهت افزایش توانمندی و باورپذیری در بین آنها تاکید دارد و معتقد است یکی از زمینه های موثر در ارتقای سطح براری جنسیتی، تقویت و توانمندسازی زنان از طریق دادن آموزش به آنان در خصوص عدم توازن و براری در قدرت و نیز دادن امکان لازم به زنان در راستای مدیریت زندگی خودشان است. توانمندسازی زنان لازمه رسیدن به توسعه پایدار هست. یکی از گروه های هدف جهت آموزش و توانمندسازی آنان، زنان روستایی است که می توانند در فعالتهای مختلف اقتصادی از جمله کشاورزی، دامداری و... شرکت کنند و زمینه کم کردن تفاوت بین شهر و روستا، فقرزدایی، اشتغال زایی و درآمدزایی از طریق فعالتهای اقتصادی را فراهم کنند.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر بر این باور است که امروزه در جامعه "شبه مدرن" استان بوشهر که سعی در گذر از جامعه سنتی به مدرن را دارد، نیاز به تغییر در ساختارهای اجتهای، اقتصادی و فرهنگی جهت حضور زنان بیش از پیش احساس می شود و باید به نوع نگرش نسبت به زنان تغییراتی داده شود. در جامعه استان بوشهر، نیاز هست که زنان پا به پای مردان وارد عرصه عمومی شوند و با شناسایی استعدادها و توانایی های زنان به عنوان عنصری تاثیرگذار در توسعه پایدار استان بوشهر مطرح شوند.

هرچند با توجه به تغییراتی که در فرهنگ استان بوشهر در زمینه نگاه های سنتی ایجاد شده اما همچنان حضور زنان در عرصه های اقتصادی، اجتهای و فرهنگی در اقلیت هست و به نظر می رسد در نسلهای آینده، با توجه به شکل گیری "خانواده های مدنی" نقش زنان پررنگ تر شود و حضور آنان در اجتهاع جهت نشان دادن توانایی‌های آنان وتلاش در مشارکت توسعه افزایش یابد.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر خواستار پیگیری اجرای برنامه های سلامت زنان با رویکرد ترویج خودمراقبتی، پیگیری اجرای برنامه ملی سلامت زنان در محیط کار و تدوین و اجرای قوانین و آیین نامه های مرتبط با این سازو محیط شغلی زنان، تهیه اطلس شیوع انواع آسیبهای روانی و اجتهای بین دانش آموزان دختر به تفکیک مناطق جغرافیایی، پیگیری ایجاد نظام جامع اطلاعات بهداشت و سلامت زنان توسط دستگاه های ذی ربط، برنامه ریزی و تخصیص منابع در پیشگیری با نگاه ویژه ها و سیاستگذاری های کلان قرار گیرد و نیازهای زنان در دوره های سنی مختلف مورد شناسایی وتامین گردد.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر خواستار پیگیری

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر بر افزایش نرخ اشتغال زنان تاکید دارد و معتقد است یکی از گروه های موثردر توسعه هرکشور زنان می باشند که نقش بسیار حساس و تعیین کننده ای در فعالیت ها و کنش های اجتهای، فرهنگی و اقتصادی برعهده دارند. کشورهای توسعه یافته به این مساله مهم پی برده اند و همواره سعی در آموزش زنان و مشارکت آنها جهت دستیابی به توسعه پایدار دارند. در کشورهای درحال توسعه این مهم هنوز تحقق نیافته و به دلیل عدم بهره برداری از نیروی زنان در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتهای، اقتصادی و سیاسی دستیابی به توسعه پایدار را ناممکن ساخته است. با نگاهی بر فرهنگ حاکم بر جامعه در می یابیم که اغلب نگرش ها مبنی بر نان آور بودن مرد هست و مشارکت اقتصادی زنان را لازم و ضروری نمی داند. این در حالی است که با توجه به افزایش سطح سواد دختران و زنان و بالا رفتن میزان حضور و مشارکت آنها در اجتهاع، لازم و ضروری است که برای ایجاد فرصتهای شغلی مناسب و برابر، برنامه ریزی هایی متناسب با سطح سواد و مهارت زنان صورت گیرد تا از این طریق امکان دستیابی به توسعه پایدار فراهم گردد. همچنین زنان با ورود به بازار کار دسترسی بیشتری به منابع و فرصتها پیدا می کنند و به این ترتیب از شکاف قدرت و منابع در دسترس بین آنان و همسران شان درون خانواده کاسته خواهد شد.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر بر دادن آموزش به زنان جهت افزایش توانمندی و باورپذیری در بین آنها تاکید دارد و معتقد است یکی از زمینه های موثر در ارتقای سطح براری جنسیتی، تقویت و توانمندسازی زنان از طریق دادن آموزش به آنان در خصوص عدم توازن و براری در قدرت و نیز دادن امکان لازم به زنان در راستای مدیریت زندگی خودشان است. توانمندسازی زنان لازمه رسیدن به توسعه پایدار هست. یکی از گروه های هدف جهت آموزش و توانمندسازی آنان، زنان روستایی است که می توانند در فعالتهای مختلف اقتصادی از جمله کشاورزی، دامداری و... شرکت کنند و زمینه کم کردن تفاوت بین شهر و روستا، فقرزدایی، اشتغال زایی و درآمدزایی از طریق فعالتهای اقتصادی را فراهم کنند.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر بر این باور است که امروزه در جامعه "شبه مدرن" استان بوشهر که سعی در گذر از جامعه سنتی به مدرن را دارد، نیاز به تغییر در ساختارهای اجتهای، اقتصادی و فرهنگی جهت حضور زنان بیش از پیش احساس می شود و باید به نوع نگرش نسبت به زنان تغییراتی داده شود. در جامعه استان بوشهر، نیاز هست که زنان پا به پای مردان وارد عرصه عمومی شوند و با شناسایی استعدادها و توانایی های زنان به عنوان عنصری تاثیرگذار در توسعه پایدار استان بوشهر مطرح شوند.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر معتقد است انتصاب زنان توانمند در مناصب مدیریت شهری و روستایی به دلیل عدم وجود فرصتها و موقعیتهای برابر، عدم دیدگاه های شایسته سالاری و حمایتی مناسب از زنان در این استان بسیار ناچیز است. سطح و میزان اثربخشی اجتهای که شامل باور به اثربخشی حضور و مشارکت در عرصه اجتهای، فرهنگی و سیاسی است به دلیل عدم باور و پذیرش هویت مستقل در زنان استان بوشهر در سطح بسیار پایینی نگاه داشته شده که خود از مهمترین عوامل عدم حضور زنان در مشارکتهای مدیریتی است. استفاده از زنان متخصص در مدیریت میانی زمینه‌ای برای رشد و ارتقا و تجربه اندوزی زنان را برای حضور در عرصه های گوناگون مدیریتی فراهم می‌کند . زنان با تقویت پایه های اعتداجتهای می‌توانند نقش موثری ایفا کنند و نایدیده گرفتن نقش آنها به بهانه بی‌تجربگی، به ارتقای و رشد کشورآسب اساسی می‌زند.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر معتقد است که مشارکت سیاسی در زنان استان بوشهر به صورت یک رفتار و کنش روزمره درآید و زنان اطلاعات و شناخت خود را با یادگیری مباحث سیاسی ارتقا بخشند. احزاب سیاسی در دولت اعتدال در استان بوشهر نیز زمینه‌ای فراهم آورند تا شرایط مشارکت اقتصادی

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر انتصاب شایسته جناب آقای عبدالکریم گراوند را به عنوان استاندار و نماینده دولت تدبیر و امید در استان بوشهر، صحنه‌انه تبریک می گوید. انتصاب ایشان به عنوان استاندار بوشهر بهانه ای برای بیان برخی مسایل و مشکلات زنان در عرصه عمومی استان و طرح ضرورتها، نیازها، مطالبات و ارایه راهبردهای مناسب جهت تحقق و نیل به توسعه پایدار با توجه به ظرفیت موجود در زنان این استان شد.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر معتقد است که یکی از مهم ترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا هستند اکنون نگاه جهان، بیشتر به سوی زنان معطوف شده است. زیرا امروز، برای تحقق توسعه اجتهای، تسریع فرایند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتهای، چنان چه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کنی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت. نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعه اجتهای و اقتصادی بستگی داشته و از این رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌گردد.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر بر حضور بیشتر زنان در جامعه استان بوشهر تاکید دارد و بر این باور است که زنان یکی از مشارکت جوانان اجتهای هستند که با ایفای نقش های خود در قالب های مشخص، سبب تحقق توسعه پایدار در یک جامعه می گردند. روند کنونی مشارکت زنان در جامعه ایرانی خصوصاً استان بوشهر، زبینه جامعه ای که زنان آن تحصیل کرده و دارای تجربه در زمینه های اجرایی و مدیریتی می باشند، نیست. به طور کلی اساس توسعه که بر پایه مشارکت اجتهای انسانها با جنسیتهای متفاوت در کنار یکدیگر شکل گرفته، در جوامع در حال توسعه و به طور مثال در منطقه جنوب ایران ناپدیده گرفته می شود. برای بیان این ناپیدگی؛ دلایل متفاوتی وجود دارد که از جمله می توان به الف:محرومیت اجتهای و فرهنگی مردمان جنوب، ب:عدم وجود سرمایه اجتهای منسجم در جنوب، ج:عدم تعریف نقش اجتهای زنان اجتهای در توسعه، د: فقدان تشخص اجتهای زنان در جنوب اشاره کرد.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر تاکید می کند، توجه به توانمندی های زنان و مشارکت آنان بر پایه براری و عدالت یکی از پیش نیازهای توسعه است. بنابراین نیاز است که زنان پا به پای مردان وارد عرصه عمومی شوند و با شناسایی استعدادها و توانایی های آنها، به عنوان عنصری تاثیرگذار در توسعه بیش از پیش مطرح شوند. و نیز با ایده گتد و گو در دنیای واقعی می توان حضور زنان را به مراتب بیش از گذشته افزایش داد و برگزاری همایشها، کارگاه های آموزشی، کنگره های متعددی در رابطه با زنان و حضور فیزیکی مسئولین و سازمانهای مردم نهاد در بین جامعه زنان جهت آشنا شدن با توانایی های آنها نیز می تواند در این زمینه راهگشا باشد. از این طریق نسلهای آینده با کلماتی از قبیل "عدالت جنسیتی"، "توانمندی های زنان"، "مشارکت زنان" در کنار مردان آشنا می شوند. در کنار این موارد می توان به "جامعه پذیری"

که هر دو جنس زن و مرد را در بر می گیرد نیز اشاره نمود که در جامعه فعلی ایران نیاز هست، زنان و مردان از خودآگاهی اجتهای، شناخت نقش و مسئولیتهای خویش، ایجاد زمینه‌های مشارکت، آگاهی گسترده تری دست یابند و از این طریق زمینه حضور زنان جهت فعالیت در عرصه عمومی برای نسلهای آینده فراهم تر گردد. همچنین اعمال قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتهای و توانمندسازی زنان آسیب دیده و در معرض آسیب نیز از جمله مواردی است که از طریق پیگیری اجرای هدفتد بیمه های فراگیر اجتهای و چند لایه زنان و خانواده‌های آسیب‌دیده و نیازمند، زنان روستایی و عشایر، زنان خاندادر و زنان سالند، پیگیری و نظارت بر اجرای طرح ملی توانمندسازی اقتصادی خانواده‌های زندانیان و زنان زندانی، پیگیری و نظارت بر توسعه و تقویت مراکز بازپروری و توانبخشی زنان آسیب دیده توسط دستگاههای مسئول، رسیدگی به وضعیت زنان ساکن در سکونتگاههای غیررسمی و بافت‌های فرسوده، پیگیری و نظارت بر گسترش حمایت زنان معتاد و بهبود یافته توسط دستگاه های ذی ربط، مهارت آموزی و تقویت و توسعه خودکفایی زنان مناطق محروم، آسیب پذیر و پیگیری و نظارت بر اجرای برنامه ملی اصلاح و باز اجتهای کردن زنان و کودکان بزهکار توسط دستگاههای ذی‌ربط قابل اجرا است.

گفتار

۲۳

و مسائل دوران بلوغ و ارتقای آگاهی خانواده ها درباره خطرات ازدواج و بارداری زودرس دختران، پیگیری خدمات درمانی سلامت روان زنان و دختران در مراکز دولتی تحت پوشش، تقویت نظام حمایتی اجتهای از سلامت و مشارکت زنان سالند و پیگیری و نظارت در ارایه خدمات بهداشت باروری و زایمان طبیعی می‌باشد.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر با نگاه خاص خود به

دختران و زنان در مباحث فرهنگی و اجتهای به نهادها، انجمنها، احزاب و مسوولین ذریبط در حوزه دختران، زنان و خانواده پیشنهاد می دهد که برخی چالشهای مطرح در مورد وضعیت دختران کودک و نوجوان در استان بوشهر که شامل 1. آموزش دختران 2. امنیت دختران 3. مقابله با خشونت علیه دختران 4. مقابله با ازدواجهای زودهنگام دختران را در دستور کار خود قرار دهند و امکاناتی به وجود آورند که وضعیت دختران در این مسائل بهبود و تغییراتی در شرایط زندگی و آموزشی دختران و زنان جوان صورت پذیرد. جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر جهت بهبود شرایط دختران و زنان جوان از طریق عدم تحمل و پذیرش هر نوع خشونتی علیه دختران و زنان جوان به نام سنت و فرهنگ، بالا بردن سطح آموزش، مبارزه با ازدواج اجباری، عدالت حقوق در تمام بخشهای زندگی، اجرای منسجم یا استوار قوانینی علیه تبعیض جنسیتی موارد پیشنهادی 1. ارتقای آگاهی دختران کودک و نوجوان و مشارکت در زندگی اجتهای و اقتصادی 2. آگاهی بخشی به کودکان دختر و خانواده ها نسبت به گرایشات و رویه‌های فرهنگی منفی علیه دختران 3. ارتقا و حمایت از حقوق دختران کودک و نوجوان و افزایش آگاهی در مورد نیازهای دختران 4. آگاهی بخشی به کودکان و نوجوانان دختر و خانواده ها نسبت به ماعت از تبعیض علیه دختران در آموزش و مهارت‌آموزی 5. آگاهی بخشی به کودکان و نوجوانان دختر و خانواده ها نسبت به تبعیض علیه دختران در بهداشت و تغذیه 6. آگاهی بخشی به کودکان و نوجوانان دختر و خانواده ها نسبت به استتار اقتصادی از کار کودک و حمایت از دختران جوان در کار 7. آگاهی بخشی به کودکان و نوجوانان دختر و خانواده ها نسبت به خشونت علیه دخترتخریجه ها 8. آگاهی بخشی به کودکان و نوجوانان دختر و خانواده ها نسبت به ماعت از همه اشکال تبعیض علیه دخترتخریجه‌ها 9. گسترش نقش خانواده در بهبود وضعیت دختران کودک و نوجوان 10. ارتقای سرمایه‌گذاری برای دختران نوجوان جهت افزایش قدرت و توان‌افزایی آنها در عرصه عمومی 11. گسترش عدالت اجتهای در استفاده از فضاهای شهری و حق زیست کودکان و نوجوانان دختر در فضای های شهری را برای بهبود وضعیت دختران کودک و نوجوان در استان بوشهر مطرح می‌نماید.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر در خصوص افزایش زنان سالند در طی چند سال آینده هشدار می دهد و تاکید می کند با توجه به افزایش آمار زنان سالند در ایران فقر در سالندان جنی است و نزدیک به ۳۰ درصد از سالندان در دهك اول درآمدی هستند و فقیرترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند. يك ميليون ۸۰۰ هزار سالند در کشور از هیچ نوع پوشش دستگه‌های حمایتی و صندوق‌های بازتستسنگی برخوردار نیستند. جمعیت زنان مسلمان نواندیش بر این نکته اشاره می کند، بر اساس گزارش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت رفاه و با نگاهی بر آمار زنان سالند تنها، تعداد آنها سه تا چهار برابر مردان سالند تنها است و این پدیده زنانه شدن سالندی در کشور را نشان می‌دهد. سالندی و تنها شدن زنان روزبه‌روز در حال افزایش است که این پدیده در آینده مشکلات بسیاری برای سالندان به ویژه زنان به همراه خواهد داشت. جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر ضمن بیان مساله زنانه شدن سالندی، خواستار توجه جدی به وضعیت زنان و دختران جوان و برنامه ریزی جهت آینده این‌قشر از جامعه است.

جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر خواستار توجه و حمایت از جامعه زنان و تقویت نهاد خانواده در استان بوشهر می باشد و بر نقش استثنایی زنان در پیشبرد اهداف توسعه پایدار تاکید دارد و معتقد است زنان ضامن تحقق چشم اندازهایی روشن برای جامعه استان بوشهر هستند. لذا این جمعیت با بیان مسایل و مشکلات در حوزه زنان استان بوشهر و ارایه راهکار برای آنها در نظر دارد، عملکرد جناب آقای عبدالکریم گراوند؛ استاندار جدید بوشهر را در حوزه زنان مورد رصد قرار داده و هر شش ماه، ارزیابی از عملکرد ایشان در عرصه زنان، دختران و خانواده ارایه دهد.

دوره‌نامه

آوای هامون
دوهفته نامه اجتماعی- فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

اسماعیل حسام مقدم

سردبیر:

مهديه امیری

طراح هنری:

کانون تبلیغاتی هامون نو

چاپ: کارگر تهران

آدرس: پرازان، خیابان جمهوری

اسلامی کدپستی: 7561735165

شماره تماس: 09904501462

صندوق پستی: 75617-167

آدرس الکترونیک:

hamooniran91@gmail.com

آدرس سایت:

www.hamooniran.ir

پدران آسیب پذیر

چرا پدر بودن صدمه می زند؟

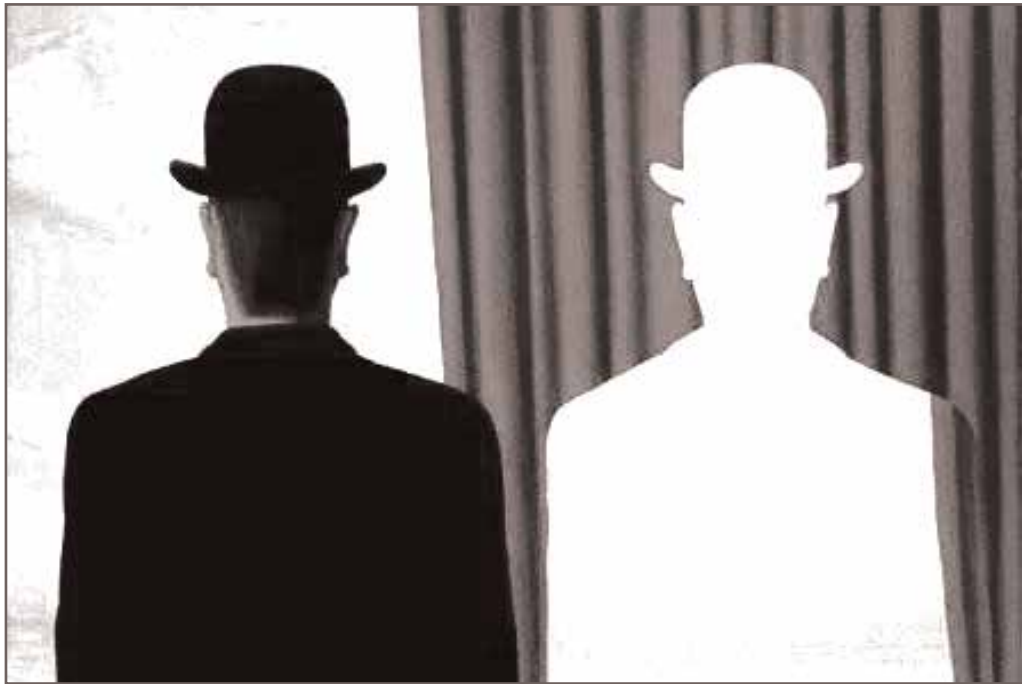
ادامه از صفحه یک

2) پدران مبتلا به بیماری های جسمی و روانی از جمله گروه های مردانه ای هستند که در میان گروه های آسیب پذیر مردان از بیشتر میزان صدمه دیده گی از تناقض بوجود آمده میان «انتظار از مردانگی» و «ناتوانی در برآورده کردن انتظارات از مردانگی» برخوردار می شوند. داریوس گالاسینسکی، متخصص برجسته مطالعات فرهنگ و گفتن، در دو کتاب خود با عناوین «گفتن های مردان درباره افسردگی» و «پدران، پدری و بیماری روانی: تحلیل گفتن طرد»، در عین پذیرش این ادعای ساختن گزراهای اجتنابی که افسردگی، پدر بودن و بیماری روانی را سازه ها یا ساخته های اجتنابی فرهنگی می دانند، معتقد است «برای مردان هیچ بیماری یا ناتوانی یا مشکلی در جهان وجود ندارد که آنان آن را بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با مردانگی یا پدر بودنشان درک کنند». به باور گالاسینسکی، «پدران در چارچوب نقش و گفتن رسمی پدری و پدر بودن(و نه لزوماً انتظارات کلی اجتماعی و فرهنگی) به مدیریت هویت و وضعیت خود می پردازند». ازاینرو، او در پژوهش های خود به طرح این پرسش می پردازد که اگر پدری، بواسطه مبتلا بودن به بیماری جسمی یا روانی نتواند خود را در چارچوب نقش و گفتن رسمی پدر بودن تعریف نماید، با چه آسیب هایی روبرو می گردد و چگونه طرد از سوی دیگران(بویژه فرزندان که از پدران خود انتظارات متداول و معمول دارند) و خودشان(طرد درونی) به آنان صدمه می زند؟

3) تصور رسمی ما از پدر بودن آن است که پدر باید

نتواند عشق خود به فرزندانش را با عمل همراه سازد، عشق او عشق تپی است».

4) گالاسینسکی پرداختن به مساله پدران آسیب پذیر را از چندین وجه دارای اهمیت می داند. او پژوهش های خود درباره مردان و تجربه پدری را پروژه ای کاملاً سیاسی می داند. او صدای مردان، بویژه صدای پدران و پدران بپار، را از صداهای خاموش جامعه می داند که باید از آنان سخن گفت. او می نویسد:«من کاملاً آگاهم که نوشتن درباره پدران مبتلا به بیماری های روانی کاملاً سیاسی است...در حالی که ما خیلی کم درباره مردان و سلامت مردان می دانیم، درباره مردانی که پدر هستند بسیار کمتر می دانیم.ما درباره تجربه های آنان، بویژه تجربه مبتلا بودن به بیماری روانی اصولاً چیزی نمی دانیم». ازاینرو، گالاسینسکی، پدران، بویژه پدران مبتلا به بیماری های روانی، را از گروه های ستم دیده جامعه می داند که هم از سوی جامعه و هم از سوی خودشان با آسیب های جدی روبرو هستند. او می نویسد:«من می خواهم به بیان قوی تر این پیام بپردازم که مردان هم می توانند قربانی نابرابری، کشمکش، آسیب پذیری، به حاشیه رانده شدن و بی قدرتی باشند». گالاسینسکی در ادامه پژوهش های خود در این زمینه را دارای درس هایی برای مطالعات فرهنگی و روانکاوی می داند. او معتقد است محققان اجتنابی نباید تنها به طرح این ایده بپردازند که پدیده های موجود در جامعه برساخت های فرهنگی یا اجتماعی هستند. ما بواسطه زن و مرد بودن و پذیرش نقش های مادری و پدری، همه پدیده های زندگی را در نسبت با این دو نقش می سنجم و تحت تاثیر پیامدهای آن ها برای این دو نقش مهم و بی واسطه



خود قرار می گیریم. ازاینرو، او معتقد است به جای صرف سخن گفتن از فرهنگی بودن پدیده ها، باید از «جنسیتی بودن پدیده ها» در معنایی که در بالا از آن گفته شد، سخن بگویم. و دائماً به طرح این پرسش در مقابل پدیده های اجتنابی بپردازیم که: این مساله از چه عواقبی برای نقش پدری و مادری برخوردار است؟

5) جامعه ما بواسطه دارا بودن جمعیت نسبتاً بالایی از معنات، کارگر، معلول، سالمند،بیکار،بی سواد، زن سرپرست خانوار، بیوه، و...که عمده آنان احتیالاً دارای فرزند نیز می باشند از جمله جوامعی است که باید به طور جدی در آن به طرح نسبت میان مشکلات و پروژه ها و فرآیندهای اجتنابی با دو نقش «پدری» و «مادری» پرداخت و به هنگام اجرای هر گونه پروژه یا برنامه یا رفتار اجتنابی به این پرسش پاسخ گفت که این برنامه، پروژه یا رفتار چه تأثیری بر نقش پدری و مادری افراد دارد که ما انسان ها اصولاً بیش از هر چیز زندگی اجتنابی خود را از این منظر قضاوت می کنیم و از آن ناامید یا شاد می شویم تا آنجا که می توان مدعی شد معیار قضاوت ما درباره جامعه آن است که بدانیم آن جامعه با پدر بودن و مادر بودن ما چه می کند؟شاید بهتر باشد از این به بعد به هنگام بررسی پیامدهای پروژه های سیاسی و اجتنابی خود بیش از هر چیز بوسیم پدران و مادران ما به چه میزان از این پروژه ها آسیب می پذیرند یا نفع می بینند تا بدانیم پروژه های ما در مسیر درستی گام بر می دارند یا خیر؟ما حتی در سطح فردی هم باید دائماً این سوال را در مقابل خود مطرح کنیم هر رفتار فردی ما به چه میزان به نقش پدری یا مادری من آسیب یا نفع می رساند؟

ادامه از صفحه یک

مداوت و فشارهای سیاسی رضاخان به دلیل غلبه و حاکمیت سیاسی او توانست گفتن او در باره ی این الگوی تحمیل شده از سبک زندگی به طور عام و پوشش زنان به به طور خاص را غالب و پس از آن نهادینه کند و از این طریق بر ساختار جامعه تاثیر خود را داشته باشد چرا که پس از چند دهه گروه های زیادی از مردم آن را پذیرفته و به عنوان الگوی غالب زندگی خود ترجیح دادند. اگر چه نمی توان در این باره تنها عامل موثر را اقدامات رضاخان دانست. ما در صفحات تاریخ اجتماعی و سیاسی کشور شاهد آن بوده-ایم که پس از عبور از ناملایمات و حوادث خشونت بار ناشی از کشف اجباری حجاب توسط رضا خان، در دهه های بعدی ساختار جامعه به یک سطح از مدارای اجتماعی و فرهنگی رسید تا جایی که در دوران خلف او (پهلوی دوم) تقریباً جز به ندرت مجادله ای درباره ی پوشش زنان دیده نمی شود.گروه های مردم با عقاید و گرایشات مختلف درسبک پوشش با رسیدن به سطحی از مدارای اجتماعی و فرهنگی در کنار یکدیگر به دور از حاشیه های دوران پهلوی پدر زندگی کرده اند چرا که پوشش زنان دیگر موضوعیت سیاسی نداشت.

با پیروزی انقلاب و بحث از احیای سبک زندگی اسلامی بار دیگر موضوع حجاب و پوشش به عنوان یک امر سیاسی مطرح شد. در آغاز آنچه به عنوان سبک زندگی اسلامی مطرح شد برای مقابله با سبک زندگی غربی بود. از آنجا که محوریت شعارهای انقلابیون و فرایند انقلاب، تا حد زیادی دینی(اسلامی) بود دور از انتظار نبود که علاوه بر ساختار سیاسی، ساختار اجتنابی نیز هدف تغییرات اساسی قرار گیرد که شواهد تاریخی آن روزها دلالت بر صحت این مدعا دارد؛ تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف بسط فرهنگ اسلامی و نفی غربزدگی یا به عبارت دیگر از خودبیگانگی فرهنگی از جمله ی آن است. همچنین تشکیل کیت های انقلاب و ستادهای امر به معروف و نهی از منکر از که تا امروز در قالب ستادهایی به نام گشت ارشاد باقی است، از جمله مواردی است می توان به آن اشاره کرد. با استناد به اقدامات صورت گرفته در جامعه ی پسا انقلابی و تغییرات ساختاری ناشی از آن در بدنه ی جامعه میتوان گفت که مسئله ی پوشش زنان بار دیگر به یک امر سیاسی بدل شد تا از بستر حاکمیت گفتن سیاسی جدید، این بار صورتبندی دیگری یابد و بار دیگر موضوع کنترل هنجارهای رسمی(قوانین) و غیر رسمی شود بدین معنی که عناصر فرهنگ عمومی درباره ی الگوهای رفتار و پوشش زنان بار دیگر یک تغییر چالش انگیز را تجربه کند. اگر چه جنس مسئله آفرینی این تغییر از دوره ی پهلوی اول متفاوت بود اما در این باره شک نیست که قرار داشتن پوشش زنان به عنوان یک امر اجتنابی آن هم از بستر ساختار سیاسی وجه اشتراک جامعه ی پساانقلابی و پهلوی اول بوده است.

در شرایط امروز بحث از خصوصی یا اجتنابی بودن پوشش زنان در جامعه ی ایران یکی از موضوعات غالب و شاید به تازگی داغ شده ی ستون های تحلیلی نشریات و همچنین موضوع مورد تامل کارشناسان اجتنابی و فرهنگی کشور شده است. عده ای بر این استدلالند که پوشش همچون دیگر مسائل فردی، امری خصوصی است بنابراین انتخاب و نوع آن بسته به تشخیص فرد بوده و هرگونه الزام در این باره از منظر اجتنابی

حجاب زنان در ایران؛ امر خصوصی یا اجتماعی

و سیاسی نقض حقوق انسانی و بشری محسوب شده و در موضع اعتراض می باشد این گروه غالباً آن دسته روشنفکرانی اند که متأثر از فرایند جهانی شدن بوده و بدون یک نگاه جامعه شناختی قائل وجود به یک فرهنگ جهانی و تعلق بدون هر گونه تعلیل به آن هستند در مقابل گروه دیگر، نوع و میزان پوشش را لزوماً موضوع فرهنگ عامه (فرهنگ مذهبی ایرانی) و مقوله ای اجتنابی دانسته که به هیچ وجه نمیتوان اطلاق وجه خصوصی بر آن وارد نمود اینان غالباً از دیدگاهی سیاسی- مذهبی به این مقوله می پردازند در حالی که با تحلیل آنچه تجربه ی تاریخ سیاسی و اجتنابی این جامعه می باشد و همچنین در نظر داشتن دیدگاهی جامعه شناختی می تواند برای پاسخ به این پرسش باریگر باشد که آیا می توان حجاب و نوع پوشش زنان را امری شخصی دانست یا آنکه تحول هنجاری قابل توجهی در باره ی پوشش زنان رخ داده است که این مقوله دیگر به عنوان یک هنجار رسمی حاکم نبوده به این معنا که عدول از آن دیگر کجروی یا جرم قلمداد نمی باشد.

لازم به ذکر این نکته نیست که در جامعه ی ایرانی زنان در هسته ی ارزش های فرهنگی یا اجتنابی قرار دارند بنابراین زن بودن مساوی است با دایره ای از مصادیق ارزشی و هنجاری رسمیت یا غیر رسمیت یافته هنجارهایی که عدول از آن مساوی بوده است با طرد از سوی مجاری قانونی و در بسیاری موارد از حوزه ی عمومی به عنوان مثال، مشارکت سیاسی، ارث، دیه و نوع و سطح اشتغال و پوشش نمونه ای از هنجارهای رسمی در این باره می باشد. ساختار اجتنابی که در ترکیب سلسله مراتبی ساختارهای جامعه ایرانی، متأثر از ساختار سیاسی می باشد حتی با وجود تحولات ناشی فرایند جهانی شدن، پوشش زنان را همچنان به عنوان یک امر اجتنابی در ترکیب خود دارد بدین معنی که فرایند جامعه پذیری این مقوله را با چرخش بیشتری به سوی امر سیاسی بدین سو کشانیده و در این باره شاهد یک نوع جامعه پذیری سیاسی می باشیم و در نتیجه حجاب مقوله ای سیاسی-اجتنابی می باشد چرا که امر پوشش زنان به عنوان یکی از موارد هنجاری از اصول مورد تاکید ساختار سیاسی بوده است بدین معنی که با اشاره به واقعیت تحولات هنجاری صورت گرفته در مورد پوشش (نوع و میزان) که با یک مشاهده ی میدانی به خوبی قابل درک و پذیرش می باشد این نکته حائز اهمیت بسیار می باشد که ما امروز با رفتار دوگانه ی زنان ایرانی در مقوله ی رعایت حجاب مواجهیم که نمایترین چرخش رفتاری صورت گرفته در این باره را می توان در میان چهره های شاخص هنری و ... به مثال آورد. این دوگانگی رفتاری زنان در رعایت حجاب که در میان اقشار مختلف جامعه قابل مشاهده می باشد بیانگر آنست که اکثریت زنان جامعه ی امروز ایرانی ارزیابی شان در مورد حجاب و پوشش تا حد زیادی به عنوان یک رفتار اجتنابی- سیاسی است. عده ای آن را ضامن بقای یک جامعه سالم دانسته اند و پس از تکلیف الهی آن را تکلیف حقوق خود در برابر جامعه و منافع ملی می دانند و گروهی دیگر حجاب و رعایت آن را به صرفاً عنوان یکی از اصول و قوانین زندگی در این جامعه پذیرفته اند و متکلف به رعایت آن می باشند و این بدان معناست که در هر دو گروه رعایت حجاب و معیارهای پوشش ترویج شده از سوی مراجع جامعه قانونی و نهاد های مرجع جامعه پذیری، اگر چه دارای وجوبی خصوصی و فردی می باشد اما وجه اجتنابی- سیاسی آن برجسته تر می باشد. از این رو به درستی می توان گفت که پوشش زنان در جامعه پسا انقلابی همواره اجتنابی بوده است.

